

## ظهور قائم آل محمد «عج» و اقدامات بعد از ظهور

### از منظر نهج البلاغه

□ محمد آصف افتخاری \*

#### چکیده

زمینه‌سازی جریان ظهور و مهدویت، از برنامه‌های مهم نبی‌گرامی اسلام «ص» و ائمه طاهرین «ع» بوده است که در فرصت‌های مختلف این امر مهم را مطرح می‌کردند؛ در این میان، بیانات امیرالمؤمنین علی «ع» جایگاه ویژه‌ای دارد. در کتاب شریف نهج البلاغه در باب مهدویت، روشنگری و نکات قابل توجهه با نگاهی بر دوران قبل و بعد از ظهور امام زمان «عج» مطرح شده است. از همه مهم‌تر پرداختن به برنامه‌های آن حضرت «عج» است که بعد از ظهور و قیام نورانی‌اش به منظور خوشبختی و سعادت جامعه بشریت، در دستور کار خواهد داشت. از جمله این اقدامات (که در این تحقیق با استناد به کلمات امام علی «ع» در نهج البلاغه؛ به آن توجه شده است) عبارت‌اند از ۱ - سعی در هدایت و سعادت آفرینی جامعه بشریت، در حالیکه مردم آن زمان، در ضلالت و گمراهی ویرانگر، گرفتارند. ۲ - احیای قرآن کریم و بیرون راندن آن کتاب عزیز را از مهجوریت و دایر ساختن حلقات دروس با محوریت قرآن کریم. ۳ - برپاساختن حکومتی همانند حکومت اجدادش نبی مکرم اسلام «ص» و امام علی «ع» با محوریت عدالت. ۴ - دایر ساختن مجالس و مدارس و برپاساختن کلاس‌ها و حلقات درسی به صورت شبانه‌روزی و تمام‌وقت که در آن، انواع حکمت‌ها و معارف در تمامی رشته‌های مورد نیاز جامعه آن روز، به صورتی فراگرفته می‌شود که فراگیران، همانند شمشیرهای صیقل داده‌شده؛ مهبای مبارزه با انواع فتنه‌های احتمالی و شبهات می‌باشند. ۵ - بالاخره! از جمله عنایات و توجهات ویژه ذات اقدس الهی که در عصر ظهور، اعمال خواهد شد، بروز انواع برکات موجود در زمین است که در اختیار آن حضرت «عج» و به تبع آن در دسترس دیگران، قرار خواهد گرفت. آری! ظهور حضرت مهدی «عج» برای نجات عالم بشریت از وعده‌های الهی می‌باشد که با فراهم آمدن زمینه‌های قیام امام مهدی «عج» به وقوع خواهد پیوست.

## مقدمه و بیان ضرورت این نوشتار

با توجه به بروز انواع و اقسام جنایات و اعمال ظلم و جور علیه مستضعفین در عالم که توسط زورگویان و متجاوزان در اقصا نقاط عالم به وقوع می پیوندد، طرح مباحث مهدویت که روزی برای ایجاد عدل و آرامش و سرنگون ساختن و ظلم و جور، ظهور خواهد کرد، از مباحث مهم و ضروری می باشد. جریان ظهور، از مهم ترین موضوعاتی مطرح شده در خطابات و کلمات نورانی ائمه طاهرین «ع» و شخص نبی مکرم اسلام «ص» می باشد که در مناسبت های گوناگون، به آن پرداخته شده است. در این میان، حضرت امام علی «ع» که در موارد عدیده ای به پیش بینی از حوادث و اتفاقات آینده جامعه بشریت پرداخته به گونه ای که بسیاری از پیشگویی های آن حضرت، محقق شده است که بدون تردید سایر پیش بینی های ایشان هم در زمان و مکان خود، به وقوع خواهد پیوست. از جمله ملاحظه آن حضرت «ع» در خطبه های ناب و بیانات دُرربارش خصوصاً در کتاب شریف و باارزش نهج البلاغه، مسئله غیبت و ظهور حضرت مهدی «ع» و برنامه های آن حضرت «عج» بعد از پایان غیبت و در دوران ظهور، می باشد که حسب بررسی نگارنده، کدام بررسی دقیق و همه جانبه این جریان، از منظر نهج البلاغه، صورت نگرفته است بناً این نوشتار مختصر که با مراجعه مستقیم به کتاب شریف نهج البلاغه و شروح معتبر آن گردآوری شده است در دو بخش امام زمان «عج» قبل از ظهور و امام زمان «عج» بعد از ظهور که هر کدام متضمن زیر بخش هایی می باشد؛ تنظیم شده است.

## الف) امام زمان «عج» قبل از ظهور

هر چند از کتاب وزین نهج البلاغه، درباره امام زمان «عج» در دوران غیبت آن بزرگوار (که در این تحقیق از آن دوران با عنوان قبل از ظهور تعبیر شده است) مطالب عدیده ای قابل استخراج است، ولی عمده این مطالب؛ راجع به دو جریان است که در این بخش به آن پرداخته می شود.

## ۱ - خبر از دوران غیبت امام زمان «عج»

یکی از خطبه‌های که امام علی (ع) که در آن، از آینده بشریت، سخن به میان آورده است؛ خطبه ۱۵۰ از خُطب زیبای نهج البلاغه است. امام در این خطبه، ابتدا به توصیف برخی از گمراهان پرداخته و ضمن تبیین نکات بسیار جالب و ارزنده‌ای درباره آنان، به نزدیک بودن فتنه‌های آخرالزمان می‌پردازد، آنگاه مژده ظهور فردی از خاندانش را می‌دهد که دنیای تیره‌وتار را چراغانی و عصر پر از ستم و ظلم را با برپایی عدالت گلستان خواهد کرد. امام (ع) می‌فرماید: «أَلَا وَإِنَّ مَنْ أَدْرَكَهَا مِنَّا يَسْرِي فِيهَا بِسِرَاجٍ مُنِيرٍ وَيَحْذُو فِيهَا عَلِيٌّ مِثْلَ الصَّالِحِينَ... فِي سِتْرَةٍ عَنِ النَّاسِ لَا يَبْصُرُ الْقَائِفُ اثْرَهُ وَ لَوْ تَابِعَ نَظْرَهُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰) یعنی [ای مردم] آگاه باشید هرکسی که از ما [ائمّه طاهرین «ع»] آن روزگار سیاه، تاریک و پر فتنه را دریابد؛ با چراغی روشنگری در آن سیر می‌کند و به روش نیکان [پیامبر «ص»] و ائمه «ع» رفتار می‌نماید و [او کسی است که] سال‌های طولانی در پنهانی از مردم به سر می‌برد آن چنانکه اثرشناسان، اثر قدم او را نمی‌شناسد گرچه در یافتن اثر و نشانه‌های او تلاش فراوان کنند.

مفسرین و مترجمین برجسته نهج البلاغه؛ فرد موردنظر امام علی «ع» را به امام زمان «عج» تفسیر نمودند و این فرازا را مژده‌ای برای ظهور منجی عالم بشریت، امام مهدی «عج» می‌دانند، او که در حال حاضر در عالم غیبت به سر می‌برد و با اینکه حی است و موجود؛ هرکسی توان لقاء او را ندارد و مدرک مکان او نیست مگر افراد بسیار خاص و محدودی که با ترقی باورها و تکامل ایمان به این مقام، نائل خواهد آمد. از جمله این مترجمین می‌توان به ترجمه‌های آقایان دشتی، انصاری، مکارم و... اشاره نمود.

ابن ابی الحدید هم که از شارحین بسیار معروف نهج البلاغه و از اکابر علمای اهل سنت می‌باشد، این فراز را صریحاً به امام مهدی «عج» تفسیر نموده و این‌گونه می‌نویسد: «ثُمَّ ذَكَرَ أَنَّ مَهْدِيَّ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) (وَهُوَ الَّذِي عَنَى بِقَوْلِهِ) وَإِنَّ مِنْ أَدْرَكِهَا مَنْ يَسْرِي فِي ظِلْمَاتِ هَذِهِ الْفِتَنِ بِسِرَاجٍ مُنِيرٍ وَهُوَ الْمَهْدِيُّ...» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۱۳۳۷، ج ۹، ص ۱۲۸)

در خطبه دیگر از این کتاب شریف نیز به موضوع غیبت آقا (عج) پرداخته شده و این‌گونه می‌فرماید: «فَهُوَ مُغْتَرَبٌ إِذَا اغْتَرَبَ الْإِسْلَامُ وَ ضَرَبَ بِعَسِيبِ ذَنْبِهِ وَ أَلْصَقَ الْأَرْضَ بِجِرَانِهِ بَيِّنَةٌ مِنْ

بَقَايَا حُجَّتِهِ خَلِيفَةً مِنْ خَلَائِفِ أَنْبِيَائِهِ» (نهج البلاغه، خ ۱۸۲) یعنی و آن بزرگوار «عج» [در حال غربت به سر برده و از نظرها] پنهان است، هنگامی که اسلام غریب گردد و [به قدری ضعیف و باریک شود که همچون شتر رنجور] دُم خویش را بجنباند و سینه اش را به خاک بچسباند [خلاصه یار و یاور بطلبد؛ و این جمله اشاره بفرمایش حضرت رسول (ص) است که فرمود: «بدء الإسلام غريبا وسيعود غريبا» زود است که اسلام به غربت اولیّه خویش بازگردد و پیروی نداشته باشد که به طور کلی غربت اسلام را از دوران غیبت آن حضرت شاهد بودیم که این سیر منفی روزبه روز در حال رشد است. آری!] آن حضرت باقیمانده از بقایای حجّت خدا و جانشینی از جانشین های پیامبران است. (بر اساس ترجمه آقای انصاری)

جمالات مذکور که فرازی از خطبه ۱۸۲ هست، بسیاری از شارحین و مترجمین؛ آن را به دوران غیبت آقا امام زمان «عج» تفسیر نموده اند. برای نمونه در کتاب «حدائق الحقائق» ذیل فراز مذکور می-نویسد: «الإشارة إلى حال المهدي عليه السلام و غيبته.» (بیهقی، حدائق الحقائق، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۱۷) ابن ابی الحدید هم در ذیل این فراز از خطبه، بعد از آنکه به یک سری از اقوال و احتمالات، اشاره می کند می-نویسد: «و ليس يبعد عندي أن يريده به القائم من آل محمد ص في آخر الوقت» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۰ ص ۹۵) یعنی به نظر من بعید نیست اینکه مقصود از فرد مورد نظر، همان فردی باشد که در آخر الزمان قیام می کند.

جناب میرزا حبیب الله خوبی هم بعد بیان اقوالی، به بیان نظر خود در این باب پرداخته می نویسد: «أقول: أما ما ذكره من كون المراد به القائم عليه السلام فهو كما ذكره غير بعيد لظهور اتصافه عليه السلام بهذه الأوصاف و كونه مظهرا لها» (خوبی، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، ۱۳۵۸، ج ۳ ص ۵۴۸) یعنی به نظر من از آنجایی که تمامی اوصاف مطرح شده در این بیان نورانی امیرالمؤمنین «ع» درباره امام زمان «عج» صادق است و او مظهر این اوصاف می باشد؛ لذا هیچ بُعدی وجود ندارد که مقصود از شخص مورد نظر در کلام امام «ع» حضرت قائم [یعنی امام مهدی «عج»] باشد.

## ۲ - خبر از ظهور امام زمان «عج»

دومین مطلبی که از لابه‌لای بیانات امام علی «ع» در کتاب گران‌سنگ نهج البلاغه به دست می‌آید؛ جریان پربرکت و بامیمنت ظهور امام مهدی «عج» بعد از مدت‌ها غیبت و پنهانی ظاهری؛ می‌باشد.

حضرت امام علی «ع» در یکی از خطبه‌هایش، ضمن اشاره به ویژگی‌هایی از پیامبر مکرم اسلام «ص» و مسئله رحلت آن بزرگوار و بعد از پرداختن به پاره‌ای از برنامه‌های انجام‌شده توسط خودش و برنامه‌های که انجام خواهد داد و پس از اخبار از شهادت خویش؛ به موضوع ظهور حضرت مهدی «عج» پرداخته می‌فرماید: «فَلَبِثْتُمْ بَعْدَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ حَتَّى يُطْلِعَ اللَّهُ لَكُمْ مَنْ يَجْمَعُكُمْ وَ يَضُمُّ شَرْكُكُمْ... أَلَا إِنَّ مَثَلَ آلِ مُحَمَّدٍ ص كَمَثَلِ نُجُومِ السَّمَاءِ إِذَا خَوَى نُجُومٌ طَلَعَ نُجُومٌ فَكَأَنَّكُمْ قَدْ تَكَامَلَتْ مِنَ اللَّهِ فِيكُمْ الصَّنَائِعُ وَ أَرَاكُمْ مَا كُنْتُمْ تَأْمَلُونَ» (نهج البلاغه، ج ۱۰۰) یعنی بعد از او [پیامبر اسلام «ص» و هم‌چنین ائمه طاهرین «ع»] چندان‌که خدا بخواهد زندگانی کردید و خواهید کرد [و این جریان زندگی انسان‌ها همچنان ادامه دارد] تا اینکه خداوند متعال، شخصی را برمی‌انگیزاند که شما را متحد می‌سازد و پراکندگی شما را جبران می‌کند [و شما تحت لوای واحد درمی‌آید] - تا اینکه فرمودند - آگاه باشید که مثل آل محمد «ع» همانند ستارگان آسمان است، اگر ستاره‌ای غروب کند، ستاره دیگری طلوع خواهد کرد (تا ظهور حضرت مهدی «عج» فرارسد)

بازهم بسیاری از مورخین و شارحین نهج البلاغه، فرازهای مذکور را بر حضرت مهدی (عج) تفسیر و تطبیق کردند. از جمله ابن ابی الحدید ذیل فراز (من یجمعکم و یضمکم) می‌نویسد: «و هذا إشارة إلى المهدي الذي يظهر في آخر الوقت.» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۹۴) یعنی این فراز از خطبه شریفه اشاره، به حکومت و ظهور حضرت مهدی «عج» دارد که بالاخره روزی خواهد آمد.

در کتاب بهج الصباغه، ضمن نقل روایتی در این زمینه تصریح می‌کند که «وَأَمَّا الرَّأْيَةُ فِي كَلَامِهِ «ع» الْقَائِمِ «ع» بِالْخُصُوصِ» (شوشتری محمدتقی، بهج الصباغه، ۱۳۷۶، ج ۳؛ ص ۴۴۶) یعنی مقصود از رایت و پرچم مذکور در کلام امام علی «ع» [که فرازی از همین خطبه آمده است

«وَ خَلَّفَ فِينَا رَايَةَ الْحَقِّ» [ امام زمان (ع) می باشد؛ که پرچم عدالت جهانی و آزادی معقول و منطقی که توسط او «عج» به اهتزاز درخواهد آمد.

اینکه احتمال داده شده است که شاید برخی از این فرازا اشاره به قیام بنی عباس باشد، بسیاری از بزرگان، این احتمال را شدیداً رد نموده و باطل دانستند؛ به دلیل اینکه چگونه ممکن است امام زمان «عج» از حکومت بنی العباس به عنوان پرچم داران حق (رایة الحق) تعبیر کند در حالیکه بیشترین ظلم و ستم علیه مسلمین و شیعیان، در دوران حکومت آنان روا داشته شده و شیعیان، خفقان ترین دوران را در عصر آنان تجربه کرده اند. آنان به جای اینکه مسلمین را از پراکندگی و تشتت برهاند بی خانمانی های بی سابقه ای را بر آنان تحمیل کردند. در چنین شرایطی آیا هیچ اندیشه سلیمی چنین احتمالی را در این زمینه می پذیرد؟!

امام علی «ع» در خطبه دیگر از ظهور آن حضرت «عج» به این صورت خبر می دهد که: «أَلَا وَ فِي غَدٍ - وَ سَيَأْتِي غَدٌ بِمَا لَا تَعْرِفُونَ - يَأْخُذُ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عُمَّالَهَا عَلَى مَسَاوِي أَعْمَالِهَا» (نهج البلاغه، خ ۱۳۸) یعنی آگاه باشید! فردایی که شمارا از آن هیچ شناختی نیست [معلوم نیست چه زمانی اتفاق خواهد افتاد] زمامداری حاکمیت پیدا می کند که غیر از خاندان حکومت های امروزی است.

این فراز از کلام امام «ع» هم بیانگر حکومت و ظهور حضرت مهدی (عج) می باشد. چنانچه صاحب کتاب «اختیار مصباح السالکین» ذیل فراز مذکور می نویسد: وقوله: الا و فی غد: اخبار بما سیکون من امر الامام المنتظر و هو المراد بالوالی (بحرانی، اختیار مصباح الصالحین، ۱۳۶۶، صفحه ۲۹۷) جناب سرخسی هم ذیل این فراز می گوید: یشیر الی ظهور المهدي - علیه السلام - (سرخسی، اعلام نهج البلاغه، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۳۱) هم چنین ابن میثم می نویسد: «و امام (ع) پیش از این، درباره اقوامی که دارای پادشاهی و فرمانروایی بوده اند سخن رانده و در دنباله آن بیان می کند که آن حکمرانی که خواهد آمد از آن اقوام و طایفه ها نیست و بدین طریق به امام منتظر (ع) اشاره می کند» (بحرانی، شرح نهج البلاغه، ۱۳۶۲ چ ۳، ج ۵، ص ۳۱۲)

یکی دیگر از فرازهای نهج البلاغه که به مسئله ظهور حضرت «عج» پرداخته است این کلام شریف است که امام علی «ع» می‌فرماید: «فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ ضَرَبَ يَعْسُوبُ الدِّينِ بِذَنْبِهِ فَيَجْتَمِعُونَ إِلَيْهِ كَمَا يَجْتَمِعُ قَرْعُ الْخَرِيفِ» (نهج البلاغه، (فصل فی غریب کلامه) ص ۶۸۶) چون آن‌گونه شود، [که ظاهراً اشاره است به کثرت ظلم و تعدی و به‌طورکلی فراهم شدن زمینه‌های آن حضرت می‌باشد.] پیشوای دین «عج» قیام کند، پس مسلمانان پیرامون او چونان ابر پاییزی گرد آیند. («یعیسوب» یعنی بزرگ مسلمانان و «قرع» یعنی ابرهای پاییزی)

جناب بحرانی؛ ذیل این بیان حکیمانه می‌نویسد: «و اقول: قوله ذلك إشارة الى علامات ذكرها في آخر الزمان، لظهور صاحب الأمر و استعار له لفظ اليعسوب» (بحرانی میثم، اختیار مصباح الصالحین، ص ۶۳۸) یعنی بیانات مذکور، بیانگر نشانه‌های آخرالزمان است که هنگام ظهور امام زمان «عج» می‌باشد؛ و کلمه یعیسوب استعاره از آن حضرت «عج» است. هم‌چنین ابن ابی الحدید ذیل این روایت نورانی می‌نویسد: «و هذا الخبر من أخبار الملاحم التي كان يخبر بها «ع» و هو يذكر فيه المهدي الذي يوجد عند أصحابنا في آخر الزمان» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۱۰۴) یعنی این خبر از جمله پیش‌بینی‌های امام علی «ع» از آینده می‌باشد که همواره از آن خبر می‌دادند و امام علی «ع» در این کلام، از حضرت مهدی «عج» یاد نموده و از ظهور او «عج» خبر می‌دهد؛ همان مهدی «عج» که به باور ما، در آخرالزمان پیدا می‌شود.

آری! واژه یعیسوب که به معنای ملکه، رئیس و سرکرده زنبوران عسل می‌باشد و معنای رهبری و پیشوایی را دارد (لویس معلوف، المنجد، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۱۱۹) در روایات متعددی در مورد خود امام علی (ع) نیز وارد شده است، برای نمونه ابن ابی الحدید، در روایتی نقل می‌کند که رسول‌الله «ص» در مورد امام علی «ع» فرمودند: «أنت يعسوب الدين» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۳) در روایت دیگر آمده است: «هذا يعسوب المؤمنين و قائد الغر المحجلين.» (همان، ج ۱، صفحه ۱۳)

## ب ( امام زمان «عج» بعد از ظهور

به لحاظ اینکه غیبت طولانی حضرت مهدی «عج» قطعاً دارای اهداف و برنامه‌هایی می‌باشد که در بسیاری از منابع، خصوصاً نهج البلاغه؛ مطرح شده است؛ و در این بخش به نمونه‌های از برنامه امام «عج» بعد از پایان غیبت و در دوران ظهور، به صورت گذرا اشاره می‌شود.

### ۱ - سعی در هدایت مردم

از جمله برنامه‌های که بعد از ظهور، توسط امام زمان «عج» در راستای دین مقدس اسلام به شدت به عرصه اجرا درمی‌آید، سعی در هدایت و سعادت آفرینی جامعه بشریت می‌باشد در حالیکه به نص آیات قرآن و روایات ائمه طاهرین «ع» مردم آن زمان، در ضلالت و گمراهی گرفتارند؛ چنانچه امام علی «ع» در یکی از خطب نهج البلاغه می‌فرماید: «يُعْطِفُ الْهَوَىٰ عَلَيَّ الْهُدَىٰ إِذَا عَطَفُوا الْهُدَىٰ عَلَيَّ الْهَوَىٰ.» (نهج البلاغه، خ ۱۳۸) یعنی (حضرت ولی عصر «ع» که ظاهر می‌شود) غلبه می‌دهد هدایت را بر هوای نفس (مردم) هنگامی که (آن مردم) غلبه داده باشند هوای نفس را بر هدایت (آن‌ها را از گمراهی و بدبختی، خارج و به سوی هدایت راهنمایی می‌کند)

آقای خویی در تبیین این فراز، می‌نویسد: «فقوله (يعطف الهوى على الهدى) يريد به أنه عليه السلام إذا ظهر يردّ النفوس الهائرة عن سبيل الله التابعة لظلمات أهوائها عن طرقها الفاسدة و مذاهبها المختلفة إلى سلوك النهج القويم و الصراط المستقيم، فتهدى الامم بظهوره و تسفر الظلم بنوره... فيجدد الشريعة المحمّديّة بعد اندحاضها و يعيدها بعد ذهابها و انقراضها» (خویی میرزا حبیب‌الله، منهاج البراعة في شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۳۴۸) یعنی از این فراز از کلام امام «ع» «يعطف الهوى على الهدى» (يعطف الهوى على الهدى) این‌گونه اراده و استفاده می‌شود که: آنگاه که امام زمان «ع» ظهور کند، کسانی که از راه روشن خداوند منحرف شدند و پیرو راه بیراهه هوای نفس شان گردیدند؛ را از راه‌های فاسده و روش‌های گوناگون شان، به راه محکم و به شاهراه مستقیم، هدایت می‌کند، در نتیجه با ظهور او «عج» امت‌ها هدایت می‌گردند و ستم‌ها و بی‌بند باری‌ها با نور او «عج» نابود می‌شود و در حالیکه شریعت حضرت رسول‌الله «ص» در میان جامعه



کمرنگ و بلکه خاموش شده است، تجدید و زنده می‌شود و بعد از آنکه این آیین پاک از بین رفته و منقرض شده است به صورت اول برگردانده و زنده می‌شود.

## ۲ - مهجوریت زدایی از قرآن کریم

برنامه دیگری که بعد از ظهور، توسط آن حضرت «عج» به عرصه اجرا گذاشته می‌شود؛ احیای قرآن کریم و بیرون راندن آن کتاب عزیز را از مهجوریت می‌باشد؛ که این مسأله هم در بسیاری از روایات اسلامی مطرح شده و در کتاب شریف نهج البلاغه نیز در موارد متعدد به این موضوع پرداخته شده است. در یکی از خطبه‌ها که به گفته مفسرین این کتاب گران سنگ، در باب امام عصر (عج) وارد شده است چنانچه ابن میثم یکی از شارحین نهج البلاغه؛ می‌گوید: الإِشَارَةُ فِي هَذَا الْفَصْلِ (الخطبة) إِلَى وَصْفِ الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ الْمَوْعُودِ بِهِ فِي الْخَبَرِ وَالْأَثَرِ (بحرانی، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۱۶۹ و بحرانی میثم، اختیار مصباح الصالحین ص ۲۹۷) امام علی «ع» در این خطبه می‌فرماید: «وَيَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ... وَ يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ.» (نهج البلاغه، خ ۱۳۸) یعنی [امام زمان (عج) با ظهورش] غلبه می‌دهد حکم قرآن را بر [تفسیر به] رأی [که تفسیر به رأی عبارت است از: تحلیل آیات قرآن بر اساس منافع و اندیشه‌های فردی و شخصی] در هنگامی که غلبه داده باشند رأی را بر حکم قرآن [یعنی قانون قرآن را در عالم حکم فرما ساخته، عمل به رأی و قیاس را باطل خواهد ساخت]. حضرت امام علی «ع» در ادامه و بعد از بیان پاره‌ای از برکات وافر که توسط او «عج» ظاهر می‌شود؛ بازهم به نکته مهم احیای قرآنی توسط آن حضرت (عج) پرداخته می‌فرماید: «وَيُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ» (همان) یعنی آن حضرت «عج» احکام قرآن کریم و سنت [و طریقه حضرت پیامبر مکرم اسلام «ص»] که تا آن روزگار متروک مانده است [را زنده و احیا خواهد ساخت و روح تازه‌ای در آن خواهد دمید.

آری! در باب احیای سنت از دست رفته پیامبر اسلام «ص» توسط حضرت قائم «عج» امام صادق «ع» هم در بیان زیبایی فرمودند: «إِذَا أذنَ اللهُ تَعَالَى لِلْقَائِمِ فِي الْخُرُوجِ صَعِدَ الْمَنِيرُ فَدَعَى النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ وَ نَاشَدَهُمُ اللهُ وَ دَعَاهُمْ إِلَى حَقِّهِ وَ أَنْ يَسِيرَ فِيهِمْ بَسَنَةَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى

اللّه علیه و آله و سلّم و يعمل فیهم بعمله.» (خوبی، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۳۵۰) یعنی آنگاه که حضرت قائم (عج) با اذن خداوند متعال؛ خروج و ظهور می‌کند و بالای منبری رفته مردم را [برای یاری‌اش] به‌سوی خود فرامی‌خواند و خداوند متعال هم مردم را [به‌سوی او] راهنمایی می‌کند؛ و آن حضرت «عج» مردم را برای گرفتن حقیقت دعوت می‌کند و در میان مردم بر اساس سنت جد بزرگوارش پیامبر اسلام «ص» سیر نموده و مانند او عمل می‌کند.

بر اساس برخی از روایات اسلامی، احکام قرآن کریم و سنت نبوی در آخرالزمان و ایام ظهور حضرت مهدی «عج» به حدی وارونه و منحرف از مسیر طبیعی و واقعی می‌شود که آنگاه که آن حضرت «عج» مردم را به اسلام ناب محمدی «ص» دعوت می‌کند، گویا آن حضرت «عج» مردم را به دین جدید و آیین تازه‌ای فرامی‌خواند. چنانچه امام صادق «ع» فرمودند: «إذا قام القائم جاء بأمر جدید کما دعی رسول اللّه فی بدو الاسلام إلى أمر جدید» (همان، ج ۸، ص ۳۵۰) یعنی آنگاه که حضرت مهدی «عج» قیام کند [و به تبلیغ اسلام ناب جد بزرگوارش پردازد آن قدر مردم آن زمان در حال بیگانگی از دین به سر می‌برند که گمان می‌کنند آن حضرت «عج» دین] و برنامه جدیدی را می‌آورد همان طوری که پیامبر اسلام «ص» امر و دستور و آیین تازه‌ای را آوردند. [در حالیکه تمامی برنامه‌های آن حضرت «عج» در راستای دین مبین اسلام و ترویج آیین ناب و مقدس جد بزرگوارش می‌باشد].

برای همین احیای قرآن کریم است که در زمان ظهور آن حضرت «عج» حلقات درس، آن هم با محوریت قرآن کریم به حدی اوج می‌گیرد که امام علی «ع» در صفات یاران امام مهدی می‌فرماید: «تُجَلَىٰ بِالتَّنْزِيلِ أَبْصَارُهُمْ وَ يُزَمَّىٰ بِالتَّفْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ» چشم اینان با قرآن روشنی می‌گیرد و معانی آیاتش به گوش آنان افکنده می‌شود.

### ۳ - برپاساختن حکومت عدل

از آنجای هدایت تمامی خلق در حالی که مدت‌ها در گمراهی مطلق به سر بردند و هم‌چنین احیاء ساختن احکام قرآن کریم در حالیکه در حالت انحراف بوده و هرکس قرآن را به‌دلخواه و بر

اساس منافع و خواسته‌هایشان تفسیر می‌کردند و... احیای مجدد فرامین قرآن کریم، در سایه حکومت عدل به تمام معنا میسر و مقدور می‌باشد؛ لذا یکی از برنامه‌ها و اقدامات حضرت مهدی «عج» برپائی یک چنین حکومتی است که عدالت و حقیقت در آن نمایان است.

امام علی (ع) در این باب فرمودند: «فیریکم کیف عدل السیره» (نهج البلاغه، خ ۱۳۸) یعنی امام «عج» روش عادلانه در حکومت عدل را به شما می‌نماید. چنانچه که در روایتی که از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده؛ آمده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: سَيَكُونُ بَعْدِي خَلْفَاءُ وَ مِنْ بَعْدِ الْخُلَفَاءِ أُمَرَاءُ وَ مِنْ بَعْدِ الْأُمَرَاءِ مَلُوكٌ جَبَابِرَةٌ، ثُمَّ يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا» (خویی، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۳۵۰) یعنی بعد از من خلفا و امرا و پادشاهان جابر خواهند آمد و سپس حضرت مهدی «عج» که از اهل بیت من می‌باشد، ظهور می‌کند و با ظهورش زمین را در حالیکه پر شده باشد از ظلم و ستم، مملو از عدل و داد می‌کند.

#### ۴ - برپاداشتن حلقات درس

به لحاظ اینکه حضرت مهدی «عج» خود عالمی است کامل و باتجربه و حکیم و دانشمندی است به تمام معنی، چنانچه امام علی «ع» در کتاب شریف نهج البلاغه و در مقام توصیف و تعریف آن بزرگوار «عج» فرمودند: «قَدْ لَيْسَ لِلْحِكْمَةِ جُنَّتَهَا وَ أَخَذَهَا بِجَمِيعِ أَدْبِهَا مِنَ الْإِقْبَالِ عَلَيْهَا وَ الْمَعْرِفَةِ بِهَا وَ التَّفَرُّغِ لَهَا فَهِيَ عِنْدَ نَفْسِهِ ضَالَّةٌ الَّتِي يَطْلُبُهَا وَ حَاجَتُهُ الَّتِي يَسْأَلُ عَنْهَا» (نهج البلاغه، خ ۱۸۲) یعنی [امام «ع» در توصیف امام زمان عجل الله فرجه الشريف فرمودند: فرزند عزیزم امام دوازدهم مهدی منتظر «ع»] سپر و زره علم و حکمت را پوشیده و تمام آداب آن را که عبارت است از توجه (به خدا) و شناختن و فارغ ساختن خود را (از دنیا) برای آن فراگرفته است، پس حکمت گمشده ایست که آن حضرت «عج» آن را جوینده و آرزویی است که آن را خواهان است (چنانچه حضرت «ع» می‌فرماید: الحكمة ضالة المؤمن، حکمت و دانش گمشده‌ای است که مؤمن همواره آن را جويا است.) (بر اساس ترجمه آقای انصاری)

لذا از جمله برنامه‌های بسیار مهم که در عصر ظهور آن حضرت «عج» و قطعاً توسط آن بزرگوار «عج» و با نظارت و هدایت وی، با شدت و حدت، اعمال می‌شود، ایجاد مجالس و مدارس و برپاساختن کلاس‌ها و حلقات درسی است که به صورت شبانه‌روزی و تمام‌وقت، دایر می‌شود که در آن انواع حکمت‌ها و معارف و تمامی رشته‌های موردنیاز جامعه آن روز، به حدی فراگرفته می‌شود که فراگیران این دروس، همانند شمشیرهای صیقل داده‌شده، مهیای مبارزه با انواع فتنه‌های احتمالی و شبهات مطرح‌شده توسط عده‌ای از مخالفین و معاندین می‌باشند. همانطوریکه امام علی «ع» در یکی دیگر از خطب نهج‌البلاغه، می‌فرماید: «ثُمَّ لَيْسَ حَذَنَ فِيهَا قَوْمٌ شَحَذَ الْقَيْنِ النَّصْلَ وَ يُعْبَثُونَ كَأَسِّ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصُّبُوحِ» (نهج‌البلاغه، خ ۱۵۰) یعنی سپس گروهی برای درهم کوبیدن فتنه‌ها مهیا می‌گردند؛ همچون مهیا شدن شمشیر به دست تیرگر؛ و آنان شامگاهان و صبح‌گاهان از جام حکمت و معارف الهی [با استفاده از علم خدادادی امام عصر «عج»] سیراب می‌گردند.

در این فراز از خطبه شریفه، کلمات «الغُبُوقُ: شرب العِشِيِّ وَ الصُّبُوحُ: شرب الغدَاة.» (غروی محمد، الأمثال والحکم، ۱۳۶۵، ص ۵۶۶) می‌باشد که بطور کلی «لفظ «غُبُوق» و «صُبُوح» کنایتند از تعلّم علوم دینیّه بر سبیل دوام ممارست ایشان در آن به اهتمام تمام به ارشاد امام علیه الصَّلوة وَ السَّلَام» (سیدرضی، تنبیه الغافلین وَ تذکرة العارفين، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۶۸۴)

## ۵ - خروج برکات در عصر ظهور

از جمله عنایات و توجهات ویژه ذات اقدس الهی که در عصر ظهور آن منجی عالم بشریت «عج» بر آن حضرت «عج» خصوصاً و بر اهل عالم که یاران آن حضرت «عج» می‌باشند عموماً؛ می‌شود این است که انواع برکات قابل تصور و غیرقابل تصور در زمین، در اختیار آن حضرت «عج» و به تبع آن در دسترس دیگران، قرار خواهد گرفت. به فرموده امام علی «ع» در نهج‌البلاغه: «وَ تُخْرَجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفَالِيدَ كَبِدِهَا وَ تَلْقِي إِلَيْهِ سِلْمًا مَقَالِيدَهَا» (نهج‌البلاغه، خ ۱۳۸) یعنی زمین، پاره‌های جگر [و بخش‌های از وجود] خویش را برای آن حضرت «عج»

ظاهر می‌سازد (و طلا و نقره‌ها و گنج‌هایش را نثار مقدم آن حضرت می‌کند) و از روی خوشنودی کلیدهای خزائنش را تسلیم او می‌نماید.

برای تشریح و توضیح این فراز، خوب است کلامی از جناب این میثم آورده شود او می‌گوید: امام (ع) واژه کبد (جگر) را برای گنج‌ها و خزاین زمین استعاره فرموده است، برای این‌که گنج‌هایی که در اندرون زمین نهفته است، مانند کبد یا جگر در بدن انسان پنهان و پرج است، ذکر افالید (پاره‌ها) برای تشریح این استعاره است، در حدیثی که از پیامبر خدا (ص) نقل شده عیناً چنین آمده است که «و قادت له الأرض أفلاذ كبدها» یعنی: زمین پاره‌های جگرش را برای او می‌برد، برخی از مفسران آیه شریفه «وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا» را بر همین معنا تفسیر کرده‌اند، درباره این‌که چگونه زمین گنج‌ها و ودیعه‌های گران‌بهای خود را بیرون می‌آورد، برخی از پژوهشگران گفته‌اند: گفتار امام (ع) اشاره به این است که همه پادشاهان و فرمانروایان روی زمین کلیدهای کشور و قلمرو حکومت خود را خواه‌وناخواه به او تسلیم و گنجینه‌ها و ذخایر خود را به‌سوی وی فرستاده تقدیم او می‌کنند و به‌طور مجاز، اخراج این اشیا به زمین نسبت داده شده است، زیرا منابع و معادن هر سرزمین به‌وسیله مردم آن استخراج می‌شود و بعید دانسته‌اند که زمین خود، بیرون آورنده گنج‌ها و نهفته‌های ارزنده‌اش باشد، اما آن‌هایی که ظواهر آیات و اخبار را رها نمی‌کنند و به آن‌ها پابندی دارند می‌توانند بگویند خداوند بیرون آورنده حقیقی این اشیا از اندرون زمین است و این خود از جمله معجزات امام منتظر (ع) خواهد بود و هیچ منعی هم وجود ندارد. (بحرانی میثم، ترجمه شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۳۱۶)

هم‌چنین ابن ابی الحدید که از علمای اهل سنت و از شارحین معروف نهج البلاغه است در بیانی این فراز را با ظهور امام عصر پیوند داده می‌نویسد: و هذا کنایة عن الكنوز التي تظهر للقائم بالامر (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۴۶) اما اینکه باور ابن ابی الحدید، در باب قائم بالامر همان باور شیعی است که مراد دوازدهمین امام از ائمه دوازده‌گانه «ع» می‌باشد؟ یا باور دیگری دارد مانند اینکه قائم بالامر فعلاً در حال غیبت بسر نمی‌برد بلکه تازه در آخرالزمان به دنیا خواهد آمد؟ که این دیدگاه از برخی تعابیرش در این شرح مستفاد است (همان، ج ۹ ص ۴۶) وارد این بحث نمی‌شویم البته مسلم این است که به نظر ابن ابی الحدید هم نیز برکات

زمین در اختیار قائم بالامر که همان منجی آخرالزمان باشد؛ قرار خواهد گرفت. البته نهفته نماند که دیدگاه دوم (که قائم بالامر فعلاً در حال غیبت بسر نمی‌برد بلکه تازه در آخرالزمان به دنیا خواهد آمد) این دیدگاه، گمان باطل و وهم فاسدی بیش نیست و از نظر علمای شیعه مردود دانسته شده و در جای خود ثابت شده است که حتی یک لحظه و در آن واحد هم زمین از حجت خداوند، خالی نخواهد بود؛ به گفته آقای خوبی (صاحب منهاج البراعه) «لقيام البراهین العقلية و النقلية علی أنّ الأرض لو تبقى بغير حجة لانخسفت و ساخت و أنه إما ظاهر مشهور أو غایب مستور» (خوبی، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۵۴۹)

مولای متقیان (ع) در فرازی دیگر، به مسئله برکات دوران ظهور پرداخته می‌فرماید: «فَكَانَكُمْ قَدْ تَكَامَلَتْ مِنَ اللَّهِ فِيكُمْ الصَّنَائِعُ وَ أَرَاكُمْ مَا كُنْتُمْ تَأْمَلُونَ.» (نهج البلاغه، خ ۱۰۰) یعنی گویا می‌بینم که در پرتو خاندان پیامبر (ص) [که از جمله آنان حضرت حجه (عج) می‌باشد] نعمت‌های خداوند متعال بر شما تمام شده است و شما بر آنچه آرزو دارید رسیدید. در این فراز نورانی گذشته از مسائل مادی و دنیوی، به آرزوی نهایی جامعه بشریت که دانسته و ندانسته همان خوشبختی نهایی و سعادت ابدی انسان‌ها می‌باشد؛ پرداخته شده که در پرتو وجود نازنین آن منجی عالم «عج» این آرزوی دیرین آدم‌ها جامه عمل خواهد پوشید.

## نتیجه

با توجه به اعتبار ویژه ی کتاب ارزشمند نهج البلاغه که حتی در لسان برخی از بزرگان، لقب «اخت القرآن» را از آن خود نموده است، بر این اساس، مسئله مهدویت، اعم از دوران غیبت، عصر ظهور و برنامه‌های ناب و ارزشمند بعد از قیام امام عصر «عج»؛ از اوضح واضحات و مسلماتی می‌باشد که کوچک‌ترین تردید در آن، تردید در بیانات امیرالمؤمنین (ع) و تصریحاتی بسیاری از علما و شارحانی تلقی می‌شود که سالیانی از عمرشان را در تبیین مطالب این کتاب، سپری کرده‌اند. گذشته از اینکه جریان ظهور، در نهج البلاغه، مطرح شده است در بیانات شخص نبی مکرم اسلام (ص) و سایر ائمه «ع» در فرصت‌های گوناگون روشن‌گری شده است که در مقالات بعدی ارائه خواهد شد.

## کتابنامه

- قرآن کریم.  
نهج البلاغه.
- بحرانی میثم، اختیار مصباح الصالحین، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس روی، مشهد، ۱۳۶۶.
- بحرانی میثم، شرح نهج البلاغه (ابن میثم)، دفتر نشرالکتب، بیجا، ۱۳۶۲ چ ۳.
- بن ابی الحدید (عزالدین ابوحامد)، شرح نهج البلاغه، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۳۷ ش.
- بیهقی، محمد بن حسین، حقائق الحقائق، بنیاد نهج البلاغه، انتشارت عطارد، قم، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۱۷.
- خویی میرزا حبیب الله، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، المكتبة الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۸ ش.
- سرخسی ناصر، اعلام نهج البلاغه، وزارت فرهنگ و ارشاد، (مصحح: عطارد) تهران، ۱۳۷۳.
- سید رضی، تنبیه الغافلین و تذکرة العارفين، (مترجم: کاشانی، مصحح: ذهنی تهرانی)، پیام حق، تهران، ۱۳۸۷.
- شوشتری محمد تقی، بهج الصباغه، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶.
- غروی محمد، الأمثال والحکم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۵.
- لویس معلوف، المنجد، مترجم: بندرریگی محمد، ایران، ۱۳۸۲، چ ۴.

